گالری جهان

الشرق‌الاوسط
فشار امریکا بر اروپا برای ادامه سیاست‌ها

سران گروه ۲۰ (G-20) راهی تورنتو شده‌اند و می‌خواهند مشکلات اقتصادی جهان را حل کنند و ریشه فقر را بخشکانند. تیتر یک روزنامه عرب‌زبان الشرق‌الاوسط چاپ عربستان همین موضوع را پیگیری می‌کند. این روزنامه در روتیتر تیتر یک اهدافی را که ملک‌عبدالله پادشاه عربستان در تورنتو و اجلاس G-20 مدنظر دارد، بررسی کرده و می‌نویسد: «ملک عبدالله رفع انحصاری ریاست بانک جهانی را در اجلاس G-20 خواستار شده است.» عکس یک الشرق‌الاوسط، اوباما، مرکل، کامرون، سارکوزی، برلوسکونی و دیگر سیاستمداران حاضر در نشست تورنتو را نشان می‌دهد. گزارش‌هایی هم درباره مسائل عراق و تشکیل دولت مرکزی در این کشور، اتفاقات و مجادلات غزه و اسرائیل و مصر در صفحه اول روزنامه الشرق‌الاوسط دیده می‌شود. جام جهانی فوتبال آفریقای جنوبی در حد خبر مساوی دو تیم پرتغال و برزیل در صفحه اول این روزنامه بازتاب داشته است.

واشنگتن‌تایمز ویکلی
اختلال در زنجیره فرماندهان

شاید از زرنگی مصاحبه‌کننده نشریه رولینگ‌استونز بود یا شاید هم ژنرال مک کریستال به آخر خط رسیده بود. باتلاق افغانستان باعث شد ژنرال باتجربه و کارکشته امریکایی‌ها ببرد و به رولینگ‌استونز بگوید آن چیزهایی را که نباید می‌گفت. مسخره کردن رئیس‌جمهور، تضعیف روحیه سربازان امریکایی و دیگر نظامیان و... کلک فرمانده نیروهای ناتو در افغانستان را کند و او را از کار بیکار کرد. ژنرال مک‌کریستال با حکم رئیس‌جمهور امریکا اخراج شد و جایش را به ژنرال پترائوس داد. اوضاع بد اقتصادی، گرفتاری در دو جنگ عراق و افغانستان، فاجعه زیست‌محیطی بریتیش پترولیوم و حالا معضلی به نام ژنرال مک‌کریستال. دموکرات‌ها بدشانس هستند. همه اینها را کنار هم بگذارید تا دست‌تان بیاید برگ برنده در انتخابات ریاست‌جمهوری و کنگره در دست جمهوریخواهان است. روزنامه واشنگتن‌تایمزویکلی در ضمیمه هفتگی خود روی این موضوع زوم کرده و پرونده و جلدش را دربست به چالش‌های میان فرماندهان و کاخ سفید اختصاص داده است. تصویر ژنرال مک‌کریستال روی جلد واشنگتن‌تایمزویکلی دیده می‌شود؛ ژنرال نگون‌بخت که معمار و طراح اصلی حمله به عراق و افغانستان بوده است.

لاوانگاردیا؛ و حالا پرتغال

تیم ملی اسپانیا تنها نقطه مشترک روزنامه‌های جورواجور این کشور است. چه ال‌موندو، چه لاوانگاردیا و چه آبث، تمام صفحه یا دست‌کم بخش مهمی از صفحه اول خود را به پیروزی اسپانیا مقابل شیلی و صعود به دور دوم و مرحله حذفی اختصاص داده‌اند. تنها فوتبال ملی باعث اتحاد ایالت‌های مختلف اسپانیاست. کاتالانی‌ها، باسکی‌ها و پیروان مادرید از اینکه تیم‌شان حذف نشده و امیدوار به فتح جام جهانی است، خوشحالند. لاوانگاردیا تیتر زده «حالا نوبت پرتغال است». اسپانیا در مرحله حذفی حریف پرتغال است و بعید نیست همسایه را حذف کند. عکس خوشحالی اینیستا بازیکن تیم ملی اسپانیا بعد از زدن گل دوم این تیم مقابل شیلی، عکس یک روزنامه سیاسی- اجتماعی لاوانگاردیاست.

مسائل مربوط به توسعه جاده‌ها و امنیت مسافران هم تیتر یک این روزنامه است. اسپانیا کشوری در حال توسعه است و در حال حاضر مسائل اقتصادی یکی از موانع توسعه‌یافتگی این کشور است. دولت این کشور هرازگاهی با خیل مردم عصبانی روبه‌رو است که نسبت به دستمزدها و کاهش خدمات اجتماعی اعتراض دارند. اتحاد و پیوستگی ارضی اسپانیا هم مورد تهدید است. حضور جدایی‌طلبان باسک دیگر مانع بر سر راه پیشرفت این کشور است.

لیبراسیون؛ نبرد سخت امریکا و اروپا

اروپایی‌ها به تازگی سیاست کاهش مصرف و صرفه‌جویی را در دستور کار خود قرار داده‌اند. بحران مالی امریکا و سرایتش به بازار اروپا باعث شد بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله یونان، اسپانیا، پرتغال و دولت جدید انگلیس، به راهکار کاهش بودجه روی بیاورند و همین موضوع گویا باعث چالش سران گروه ۲۰ و گروه هشت در کاناداست.

امریکا پروژه‌ای اصلاحی را دنبال می‌کند و در نشست تورنتو هم از اروپایی‌ها خواسته همین پروژه را ادامه دهند و دست به کاهش بودجه‌های دولتی و سیاست‌های ریاضتی نزنند.

لیبراسیون چپگرا هم همین سوژه را برای تیتر یک خود انتخاب کرده و از چالش سخت امریکا و اروپا در مسائل اقتصادی خبر می‌دهد. طرح روزنامه لیبراسیون برای عکس یک هم جالب است. این روزنامه طرحی از مجله ضمیمه لیبراسیون به عنوان عکس یک تدارک دیده است؛ عکسی که یک جوان ساکن غزه را به تصویر کشیده است. خبری از مسائل مربوط به جام جهانی و فوتبال در صفحه یک لیبراسیون دیده نمی‌شود.

فرانسه حذف شد و حواشی این تیم هم دیگر تمام شده و سوژه صفحه یک روزنامه‌های فرانسوی نیست.

گزارش یک

کشمکش‌های آینده عراق
آب مهم‌تر از نفت

ترجمه: عباس زندباف

خواست عراقی‌ها از دولت آینده‌شان این است که برای رفع معضل دیرین کمبود آب در این کشور توان بیشتری بگذارد. به گفته برخی از کارشناسان در درازمدت آب بیشتر از نفت در عراق اهمیت خواهد داشت. با آنکه بارندگی‌های اخیر مقداری گشایش در این کشور خشکسالی‌زده پدید آورد معضل تاریخی کمبود آب سبب شده است تا ده‌ها هزار روستایی خانه و زندگی خود را رها کنند. طبق برآورد دولت عراق حدود دو میلیون نفر از مردم این کشور با کمبود شدید آب آشامیدنی روبه‌رو هستند و تولید برق هم به علت کمبود نیروگاه‌های آبی خیلی محدود است. در ضمن به علت آنکه کشورهایی مانند ترکیه، سوریه و عراق که در بالادست رودخانه‌های عراق قرار دارند به وعده دادن آب بیشتر به این کشور عمل نکرده‌اند تنش‌های دیپلماتیک هم رو به افزایش است. چندی پیش هوشیار زیباری وزیر خارجه عراق طرح سوریه برای منحرف کردن آب رودخانه دجله به منظور آبیاری حدود ۸۰۰ کیلومتر مربع از اراضی خود را محکوم کرد زیرا این رود برای تامین آب آینده عراق اهمیت فراوانی دارد. کریم وحید وزیر نیروی عراق هم اقدام سوریه را اقدام تکان‌دهنده‌ای خواند که وزارت نیروی عراق را به دردسر می‌اندازد و سبب می‌شود این وزارتخانه نتواند تعهدات خود برای تامین برقابی را انجام دهد. این دو وزیر طرح سوریه را نقض پیمان‌های بین‌المللی مربوط به حقوق کشورهای پایین‌دست رودخانه‌ها خواندند. دکتر عون ثیاب العجلی رئیس مرکز ملی مدیریت منابع آب در وزارت منابع آب عراق هم می‌گوید: «موضوع آب برای دولت آینده چالش ایجاد می‌کند و باید چاره‌ای اندیشید. عراق مشکلات زیادی دارد ولی این مشکل را نمی‌توان نادیده گرفت. این معضل تمام اولویت‌های دولت را کنار می‌زند.» العجلی می‌افزاید: «در گام نخست باید با ترکیه و همچنین ایران و سوریه به توافق رسید تا هر روز آب ثابت و مناسبی به عراق سرازیر شود. در حال حاضر مقدار آب ورودی به عراق یک روز خوب است و روز دیگر نامطلوب. برای اینکه کار درست انجام شود دولت‌ها و نه فقط وزارتخانه‌های آب باید با هم قرارداد امضا کنند. همه چیز به روابط دیپلماتیک دولت‌ها بستگی دارد.» مقامات عراق پیش از این گفته بودند ملاحظات امنیتی باعث شده است تا تدوین خط‌مشی آینده‌نگرانه برای تامین آب تحت‌الشعاع قرار گیرد. اکنون با توجه به ثباتی که به تازگی و به طور نسبی در عراق برقرار شده است کارشناسان خواهان تدوین طرحی برای رفع معضل آب شده‌اند؛ معضلی که از افزایش میزان شوری تالاب‌های جنوبی عراق تا نابودی سامانه سنتی آبیاری در شمال این کشور را شامل می‌شود. به گزارش یونسکو به خاطر کمبود آب ۱۰۰ هزار عراقی از زیستگاه‌های بومی خود آواره شده‌اند. طبق یکی دیگر از گزارش‌های سازمان ملل تراز آب در رودخانه‌های دجله و فرات که منابع اصلی آب عراق هستند بیش از دوسوم کاهش یافته است و ممکن است تا سال ۲۰۴۰ به کلی خشک شوند. در گزارش سازمان ملل آمده است: «با آهنگ کنونی، میزان منابع آب عراق در سال ۲۰۱۵ به حدود ۴۳ میلیارد متر مکعب کاهش خواهد یافت که بسیار کمتر از ۷۷ میلیارد مترمکعب آب لازم برای رفع نیازهای مبرم مردم است.» طبق پژوهش سازمان ملل «آبیاری ناکافی، ناهماهنگی در دولت و ضعف در مدیریت منابع نیز به کمبود کنونی آب دامن زده است.» به گزارش سازمان ملل «پس از سال‌ها غفلت در حکومت گذشته عراق، مدیران آب این کشور همچنان فاقد توان و دانش فنی کافی برای مهار بحران فزاینده آب هستند. محدودیت‌های بودجه‌ای نیز دست دولت را برای اجرای طرح درازمدت مدیریت آب بسته است.» معضلات اجتماعی ناشی از کمبود آب نیز در عراق نمایان است. ماهیگیران جنوب این کشور از کاهش میزان صید گله دارند و تولید گندم در نواحی کشاورزی هم به علت کمبود آب به نصف کاهش یافته است. العجلی می‌گوید: «برای عراق آب از نفت مهم‌تر است زیرا بدون آب زمین‌های کشاورزی ما از بین می‌رود. آینده از آن کشاورزی است و دولت جدید باید به این نکته توجه داشته باشد.» اثرات سیاسی مربوط به روابط آبی عراق با کشورهای بالادست رودخانه‌ها هم از دید سازمان ملل پنهان نمانده است و در گزارش سازمان ملل آمده است: «این معضل دارای ابعاد سیاسی است و کشورهای همسایه عراق می‌کوشند برای پیشبرد منافع سیاسی و اقتصادی خود از این طریق به دولت عراق فشار وارد کنند. این حرکات در تعیین میزان آبی که عراق باید داشته باشد نمایان است.» دکتر محمد الزبیدی استاد علوم سیاسی دانشگاه بغداد می‌گوید آب عامل تعیین‌کننده‌ای در روابط خارجی عراق است. دولت بغداد مدعی است در تامین آب کافی برای عراق کوتاهی نکرده است و همسایگان بالادست رودخانه‌ها را تحت فشار دیپلماتیک قرار داده است. جمال البتیق رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس عراق می‌گوید: «برای مذاکره درباره تقسیم آب هیات‌هایی برای اعزام به ترکیه، ایران و سوریه تشکیل داده‌ایم و برای افزایش آب ورودی به عراق نامه‌نگاری‌هایی هم انجام داده‌ایم.» کشورهای همسایه عراق توجهی به مطالبات عراق در زمینه آب ندارند اما مصطفی کبراوغلو استاد گروه روابط بین‌الملل دانشگاه بیلکنت هشدار می‌دهد آب می‌تواند در سال‌های آینده منشاء کشمکش‌های تازه باشد.

منبع: alternet.org

عکس یک: رستوران سرو هیولا

یک لایه قارچ سرخ‌شده، یک لایه پنیر، یک لایه گوشت، یک لایه سس، گوجه، کاهو، پیاز و... پیچیده در دو تکه نان. این همان هیولای متخصصان تغذیه است؛ هیولایی که سال‌هاست در چرخه غذایی شهروندان امریکایی خوش نشسته و خیال بلند شدن ندارد. عکسی که می‌بینید تصویر یکی از بیلبوردهای خیابانی در شانگهای چین است. باورکردنی نیست. در چین باورکردنی نیست، اگر در شرح‌اش نوشته شده بود در نیویورک، در لندن، در امارات یا ویتنام و... پذیرفتنی بود. اما چین؟ واقعیت را باید پذیرفت. لایف استایل با شیوه زندگی غربی در چین، مادر شرق کمونیست هم خریدار پیدا کرده است. هیولای فست‌فود، چینی‌ها را هم می‌خورد. دیوار چین آنقدرها محکم و بی‌نفوذ نیست. برای زندگی در جامعه جهانی که حالا دیگر دهکده است، نمی‌شود تاثیر نگذاشت و تاثیر نپذیرفت. رستوران‌های زنجیره‌ای سرو فست‌فود مثل قارچ در چین روزبه‌روز می‌روند و آب دهان کارگران و دیگر شهروندان چینی را راه می‌اندازند. جالب اینکه خبر می‌رسد تعداد این رستوران‌ها در سال ۲۰۲۸ به دو برابر می‌رسد. چین بازار اقتصادی جهان را تسخیر کرده و حالا در خیابان‌هایش بوی همبرگر و کالباس و سوسیس سرخ‌شده پیچیده است. عکاس هوشمندانه این تصویر را ثبت کرده است. شهروند چینی که زیر این بیلبورد تبلیغاتی که خبر از افتتاح رستوران سرو فست‌فود می‌دهد، نشسته، کوچک و ناتوان است و در نهایت مقهور آب و رنگ و بوی فست‌فود.

عکس: AFP

گالری جهان

نشنال‌نیوز؛ ترس انبه‌کاران از آینده

باغداران و کشاورزان اماراتی این روزها با حمله آفت‌ها و بیماری‌های باغ‌های انبه دست به گریبان هستند. مزارع سنتی امارات که زیر کشت انبه هستند به تازگی مورد هجوم آفت قرار گرفته‌اند. دولت امارات برنامه‌ای دو ساله برای حل معضل ارائه داده بود که کارگر نیفتاده و آفت‌ها هنوز به قوت خود باقی هستند. انبه میوه و محصول سنتی و بومی امارات است و در صورت آسیب دیدن می‌تواند امور صادراتی این کشور را هم تحت تاثیر قرار دهد. عکس یک نشنال‌نیوز چاپ امارات جالب توجه است. تصویر محمد البرادعی رئیس سابق آژانس بین‌المللی هسته‌ای را نشان می‌دهد که در جمع بسیاری از معترضان اسکندریه (بندر مشهور مصر) ایستاده است. نشنال‌نیوز خبر می‌دهد البرادعی هم به جمع معترضان پیوسته است. ماجرای کشته شدن خالد پسر ۲۸ساله مصری به دست پلیس ادامه‌دار و بغرنج شده است. حالا نوبت شهروندان اسکندریه است که در خیابان‌ها تجمع کرده و پلیس را به قتل متهم کنند. پلیس قاهره از سوی مردم متهم است که این جوان ۲۸ساله را آنقدر زده تا مرده... البرادعی سیاستمدار اصلاح‌طلب مصری است و البته رقیب حسنی مبارک و سیاستمداران وابسته به او. خبری از ارائه برنامه‌های اصلاح‌طلبانه اقتصادی امریکا در اجلاس G-20 هم در صفحه اول نشنال‌نیوز دیده می‌شود.

گاردین
سربازان تا سال ۲۰۱۵ به خانه بازمی‌گردند

یک انگلیس است و یک جشنواره موسیقی گلاستونبری. استثنائاً هوا آفتابی است و از گل و شل زمین‌ها خبری نیست. گروه‌های آماتور و حرفه‌ای موسیقی راک و... خودشان را به منطقه گلاستونبری می‌رسانند و سه روز (هفته آخر ماه ژوئن) فریاد می‌کشند، موزیک گوش می‌دهند، می‌خندند و... هر سال این مراسم در زمین‌های پرآب و گل برگزار می‌شود اما امسال روزنامه گاردین خبر می‌دهد هوا خوب است و بیشتر می‌شود لذت برد. عکس یک گاردین هم مربوط به حضور بی‌شمار مردم در این جشنواره است. روزنامه گاردین در تیتر یک خود به وعده جدید دیوید کامرون نخست‌وزیر محافظه‌کار انگلیس می‌پردازد: «نظامیان تا سال ۲۰۱۵ به خانه بازمی‌گردند.» با این حساب سربازان انگلیسی حاضر در افغانستان حتماً خوشحال خواهند شد. کامرون تاکید کرده سربازها تا پیش از انتخابات بعدی در خانه خواهند بود. اجلاس گروه ۲۰ در کانادا علاوه بر مسائل اقتصادی، سرنوشت افغانستان را هم مد نظر داشته است. کامرون در آن نشست تصمیم بازگشت سربازان بریتانیا را اعلام کرده است.

پنج دقیقه ایران

بهارستان جاسبی

مجید یوسفی

*روزنامه دنیای اقتصاد در یادداشتی دیرهنگام موضوع دانشگاه آزاد و تبعات و پیامدهای برخورد با دانشگاه آزاد را به قلم علی سرزعیم مورد بررسی قرار داده و نوشته است: دانشگاه آزاد بنا به تعریف، دانشگاهی غیردولتی است و دولتی کردن آن با رویکرد اساسی کشور مبنی بر کاهش مداخلات و تصدی‌گری‌های دولتی ناهمخوان است، بنابراین تکیه بر کرسی ریاست دانشگاه آزاد برای مدتی طولانی همانند حضور در دیگر مسوولیت‌های دولتی امر نامطبوعی است، اما اصولاً نمی‌توان این خوشامد یا بدآمد را ملاک مداخله در امر یک بنگاه غیردولتی کرد. آنچه اهمیت دارد کیفیت ارائه خدمات آموزشی و هزینه ارائه این خدمات است.

*صفحه نخست روزنامه تهران امروز همچنان برای روزهای جام جهانی ۲۰۱۰ داغ است. این روزنامه در عکس نخست صفحه اول خود تصویری سرخگون را منتشر کرده که در آن آنگلا مرکل و دیوید کامرون هر کدام به سویی می‌روند و در تشریح عکس در صفحه چهار این روزنامه آمده است: «در اوج گفت‌وگوهای سیاسی، اقتصادی جی -۲۰ در کانادا، آنگلا مرکل صدراعظم آلمان و دیوید کامرون نخست‌وزیر انگلیس قصد دارند اجلاس را ترک کرده و بازی حساس انگلیس و آلمان را تماشا کنند.

* روزنامه وطن امروز نیز سه روز پس از مصاحبه آیت‌الله لاریجانی رئیس قوه قضائیه که در آن اشاره به تیتر «بهارستان جاسبی» شده بود، نوشته است: در گزارش یادشده با اشاره به رای دادگاه مبنی بر توقف مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی که به سود دانشگاه آزاد تلقی می‌شود، دستور آیت‌الله لاریجانی برای تعلیق این حکم دو روز بعد از نگارش گزارش صادر شد- و نیز مصوبه مجلس در اجازه برای وقف دانشگاه آزاد. ارزیابی نویسنده - که تقریباً فصل مشترک همه واکنش‌های اعتراضی به این دو اقدام است – این بود که این اقدامات بر وفق مراد آقای جاسبی است و با توجه به زمان وقوع این دو رخداد _ فصل نخست سال _ بهار عنوان «بهارستان جاسبی» برگزیده شد.

پشت صحنه

خالتورها را عشق است

امیر جدیدی

نمی‌دانم هیچ وقت موسیقی‌های خالتور را گوش کرده‌اید یا نه؟ در این نوع موسیقی و کاست‌های به جا مانده از آن دوران رسم براین بود قبل از اینکه خواننده بالای سن بیاید و برنامه اجرا کند، یک نفر به عنوان مجری یا منیجر میکروفن را به دست می‌گرفت و بعد از تعارفات معمول خواننده مردمی و ورزشکار را روی صحنه دعوت می‌کرد. بعد از این اتفاق هم خواننده در میان انبوهی از سوت و کف بالا می‌آمد و شروع به خواندن می‌کرد. همیشه برایم سوال بود که خواننده مردمی و ورزشکار یعنی چه؟ یکی دو سال پیش عصر یک جمعه زمستانی، جهت مصاحبه با خواننده معروف و آهنگساز مشهور به خانه‌ای در خیابان کردستان رفتم. من البته همراه دوستی دیگر شده بودم تا او مصاحبه کند و من عکاسی. گفت‌وگو پیش می‌رفت و مصاحبه‌شونده‌ها یکی به نعل و یکی به میخ جواب‌های شکسته بسته‌ای می‌دادند و وقت می‌گذراندند. همه چیز خوب که نمی‌شود گفت، ولی پیش می‌رفت تا اینکه من هم خواستم ماموریتم را انجام دهم و چند فریم عکس از مصاحبه‌شونده‌ها بگیرم که در کنار مصاحبه در روزنامه چاپ شود. خواننده دستش را در ریشش فرو برد و رو به من کرد و گفت: امروز رو بی‌خیال شو. الان رو مود عکس گرفتن نیستم. اصلاً سر و وضعم مناسب نیست. اگر می‌خواهی عکس بگیری سه‌شنبه بیا تالار وزارت کشور ما تمرین داریم. شب سه‌شنبه شال و کلاه کردم و راه افتادم به طرف وزارت کشور، برخلاف تصورم جلوی تالار شلوغ بود. از حرف‌های مسوولان گیت ورودی تا مردمی که در آن اطراف بودند متوجه شدم گویی کنسرتی برپاست. ولی قرار کنسرت برای دو روز بعدتر از آن روز بود. با این حال وارد شدم و خواستم عکاسی کنم که دیدم آهنگساز به طرفم آمد و گفت نمی‌توانی عکاسی کنی. گفتم مگر یادتان رفته سه روز پیش آمده بودم... گفت نه یادم هست ولی اینجا نمی‌شود عکس بگیری. اگر می‌خواهی برو پشت صحنه بچه‌ها هم آنجا هستند عکس بگیر. گفتم من نیامدم که عکس یادگاری بگیرم. گفت به هر حال نمی‌شود. در همین گیر و دار بود که منیجر هم به جمع‌شان اضافه شد و من را تحت‌الحفظ پشت صحنه بردند. در همان پشت صحنه بود که متوجه شدم تمرین آن روز گروه جهت هماهنگی کنسرت اصلی مصادف شده بود با برنامه‌ای تفریحی برای روسای صنوف سوپردریانی‌های تهران به همراه خانواده‌هایشان! در رفت و آمدهای پشت صحنه به‌رغم میل باطنی‌ام متوجه شدم گویی اسپانسر برنامه تو زرد از آب درآمده یعنی مثلاً شروع کرده بود به چانه زدن. مسوول گروه هم می‌گفت اول پول بدهید، بعد ما برنامه را اجرا می‌کنیم. در همین احوال جمعیت هم به داخل سالن آمده بودند و منتظر بودند صدای خواننده مردمی خودشان را بشنوند. ولی پشت صحنه حرف‌ها و خبرهای دیگری بود که رد و بدل می‌شد. مجری بالای صحنه رفت و با توجه به اینکه از اتفاقات پشت صحنه بی‌خبر بود گروه را به بالا دعوت کرد. ولی گروه در شش و بش بودند که بروند یا نروند، که نرفتند. مجری دوباره بالای سن رفت و چند دقیقه دیگر هم سر جماعت را به همراهی نوازنده کیبوردش گرم کرد. در همین احوال همان منیجر آمد و گویی از جانب اسپانسر گوشه‌چشمی به او شده بود، گروه را به صحنه روانه کرد. گروه روی سن رفت و یک کار اجرا کرد و دوباره برگشت. گروه برگشت و خنده‌کنان هم برگشت؛ خواننده رو به آهنگساز کرد و گفت من حال خواندن ندارم، می‌روم پشت پیانو، تو هم ساکسیفون بزن تا برای خودمان حالی کنیم. آنها رفتند و من مات و مبهوت روی پله‌های وزارت کشور نشستم. کنسرت آن شب برای گروهی از مردم در نهایت بی‌ذوقی اجرا شد. دلیل آن را شاید من می‌دانستم ولی سوپردریانی‌های مهمان آن شب بی‌خبر بودند. من البته هیچ وقت منظور خواننده را از نامناسب بودن سر و وضعش متوجه نشدم. تقریباً ۱۰ باری که او را دیدم همیشه به همان شکل بود؛ پیراهن سیاه و نه چیزی بیشتر از آن. ولی این را به فال نیک گرفتم چراکه همان روز و همان جا جواب سوالم را در مورد خواننده مردمی بودن گرفتم.